

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمہ

نہج البلاغہ

حضرت امیر المؤمنین (ع)

(با تجدید نظر و اضافات)

محمد دشتی

• مختصری از زندگی نامه حجت الاسلام استاد محمد دشتی

استاد محمد دشتی در سال ۱۳۳۰ در روستایی به نام «آزادمون» از توابع شهرستان محمود آباد متولد شدند. پس از گذراندن مراحل ابتدایی، در سال ۱۳۴۲، با توجه به علاقه شدید ایشان نسبت به علوم حوزوی، وارد حوزه علمیه شده و در حوزه عملیه شهر آمل «مسجد امام حسن عسکری (ع)» به فراگیری علوم حوزوی پرداختند. سپس در سال ۱۳۴۳ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی مشغول به تحصیل شدند، و در مدارس رضویه و فیضیه ادامه تحصیل دادند.

دروس خارج فقه را خدمت حضرت آیه الله مشکینی (کتاب حدود و دیات) و حضرت آیه الله جوادی آملی (متاجر) و حضرت آیه الله مکارم شیرازی (صلوة) و یک دوره اصول را خدمت حضرت آیه الله میرزا هاشم آملی فراگرفتند. در فلسفه، (کتاب اشارات) را خدمت حضرت آیه الله حسن زاده آملی و (کتاب اسفار اربعه) را خدمت حضرت آیه الله جوادی آملی و حضرت آیه الله محمدی گیلانی و (شرح منظومه) را خدمت آیه الله حقی فراگرفتند.

روش تحقیق و نویسندگی را ابتداء در محضر شهید مفتاح و سپس حضرت آیه الله سبحانی و شهید محمد مصطفوی کرمانی، در طول سال های ۵۰ تا ۵۷ آموختند.

استاد دشتی در تحقیقات خود، محور اصلی را نهج البلاغه قرار دادند و در ضمن آن به عقاید اسلامی، فلسفه احکام، و ارزیابی زندگی سیاسی اهل بیت نیز توجه داشتند. از استاد دشتی حدود ۱۱۰ اثر گران بها به یادگار مانده است که به جهت دارا بودن از قلم روان و بیان مطالب مورد نیاز جامعه، مورد استقبال فراوانی قرار گرفته است.

• فرمایشات مقام معظم رهبری (حفظه الله) پیرامون استاد دشتی

مقام معظم رهبری (حفظه الله) در دیدار خانواده استاد با ایشان «هفتم تیرماه ۱۳۸۰»، ضمن بیان فرمایشات بسیار مهم و ارزشمندی پیرامون شخصیت وجودی استاد دشتی و تألیفات ایشان، فرمودند: آقای دشتی جزو عناصر مفید بودند، زحمتهایشان با ارزش بود. وقتی ایشان پیش ما آمدند، من خیلی خوشحال شدم. قبلاً فهرست ایشان را بر نهج البلاغه (معجم المفهرس نهج البلاغه) دیده بودم. حیف شد، ایشان می توانست سال ها خدمت کند، ایشان خیلی پرشور و پر انرژی بودند. خداوند انشاء الله این زحمات را از ایشان قبول کند. احترام به ایشان، احترام به اسلام، امیرالمؤمنین و نهج البلاغه است.

مقام معظم رهبری پس از سؤال کردن از تعداد تألیفات استاد فرمودند:

ایشان ۱۱۰ جلد کتاب چاپ شده و چاپ نشده داشتند؟ بسیار خوب، ماشاء الله، چه عمر با برکتی. من اغلب کتاب های ایشان را مطالعه کردم، بسیار مفید و خوب هستند. با این سن کم این تعداد کتاب، بسیار خوب است. کتاب های ایشان خیلی مفید است، کتاب معجم ایشان از همه بهتر است، من نگاه کرده بودم، خیلی خوب است. ترجمه نهج البلاغه ایشان از همه ترجمه ها، بلکه از اغلب ترجمه های موجود بهتر است، وقتی برای مدارس نهج البلاغه تقاضا کردند، ترجمه ایشان را پیشنهاد دادم.

«ایشان خوش سلیقه، خوش رو و با پشت کار بودند.»

• ترجمه نهج البلاغه

همراه با :

- ۱ - عنوان دادن به مفاهیم نهج البلاغه (۲۷۳۰ عنوان) در متن عربی و فارسی
- ۲ - نامگذاری خطبه‌ها، نامه‌ها، حکمت‌ها (۱۵۰۰ عنوان)
- ۳ - اشاراتی به علوم و فنون روز
- ۴ - عمومی بودن ترجمه
- ۵ - رعایت اصل پیام رسانی در ضرب المثل‌ها
- ۶ - تفسیر صحیح متشابهات و عبارات‌های مشکل
- ۷ - آوردن نکات تاریخی و جغرافیای اماکن در پاورقی
- ۸ - آوردن اسامی اشخاص و اماکن در متن و پاورقی
- ۹ - ثبت شأن صدور خطبه‌ها، نامه‌ها، حکمت‌ها
- ۱۰ - فهرست موضوعی دارای حدود ۱۸/۰۰۰ عنوان کلی و جزئی
- ۱۱ - فهرست مطالب کامل
- ۱۲ - آوردن توضیحات ضروری در متن و پاورقی
- ۱۳ - حل تضادهای ظاهری
- ۱۴ - آوردن اختلاف نسخه‌ها
- ۱۵ - شماره‌گذاری متن عربی
- ۱۶ - آوردن موضوعات کلی خطبه‌ها، نامه‌ها، حکمت‌ها (مثل: سیاسی، اخلاقی، اقتصادی)
- ۱۷ - ترجمه توضیحات سید رضی با عنوان (می‌گویم)
- ۱۸ - مشخص کردن مرجع ضمائر (هو، هم، انهم، انه) که مورد نظر امام بودند.
- ۱۹ - مشخص کردن مخاطب‌های امام علیه السلام در نهج البلاغه
- ۲۰ - تفسیر صحیح عبارات عام و خاص، مطلق و مقید
- ۲۱ - تبیین صحیح اهداف امام علیه السلام در طرح ارزش‌ها و مبانی اعتقادی
- ۲۲ - آوردن آدرس آیات قرآن (در پاورقی)
- ۲۳ - آوردن برخی از اشعار ضروری
- ۲۴ - آوردن مدارک بعضی از احادیث موجود در کتاب
- ۲۵ - آوردن آمار و ارقام ضروری
- ۲۶ - اشاره به نقد مکاتب رایج در پاورقی
- ۲۷ - آوردن جدول اختلاف نسخه‌های مختلف نهج البلاغه
- ۲۸ - تصحیح آدرس‌ها و کلمات در ترجمه و فهرست

• سایر همکاران :

- کنترل و تصحیح : ۱ - دکتر سید محمد شفیع ۲ - حجت الاسلام محیطی ۳ - حجت الاسلام سید هاشم حسینی کوهساری
- ویراستاری متن : ۱ - سید محمود علوی ۲ - محمد نصیری ۳ - محمد مهدی دشتی
- حروفچینی و صفحه آرایی : ۱ - محمد مهدی دشتی ۲ - حسین دشتی

ترجمه نهج البلاغه

سر آغاز

اول - انگیزه‌های ترجمه

دوم - نگاهی به ترجمه‌ها

سوم - آرزوها



« به نام آن که علی علیه السلام را به جهانیان عطا فرمود »

از سال ۴۰۰ هجری که سید رضی رحمه الله با فکری نورانی و با اهدافی والا، به جمع‌آوری برخی از آثار علمی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام همت گماشت و نهج البلاغه را تدوین کرد که عطر وجودی آن جان و جهان را شاداب نمود، تا کنون، ترجمه‌های گوناگونی به زبان فارسی تحقق پذیرفته و هر یک از مترجمان با اهداف و انگیزه‌های متفاوتی به اقیانوس همیشه موج علوم علوی نگریسته‌اند.

• اول - انگیزه‌های ترجمه

با شناسایی و جمع‌آوری ۳۰ ترجمه کامل از نهج البلاغه، از قرن پنجم (به تصحیح عزیز الله جوینی) تا روزگار نورانی انقلاب اسلامی ایران، و بررسی اهداف و شیوه‌ها و قابلیت‌های نهفته در آن و با توجه به ضرورت مطرح کردن مفاهیم نهج البلاغه از نظر کاربردی در مجامع فرهنگی، به این نتیجه رسیدیم که هنوز هم به ترجمه‌های دیگری نیاز است؛ زیرا:

یکی با جاذبه‌های ادبی قلم زده؛

و دیگری در مرز و حدود الفاظ و عبارات مانده؛

برخی با شیوه‌های ترجمه آزاد، دچار تندروی‌هایی شدند؛

و برخی دیگر تفسیر و ترجمه را به هم آمیخته‌اند؛

بعضی در ترجمه تحت اللفظی موفق، اما در پیام رسانی کوتاهی کرده‌اند؛

و بعضی دیگر در پیام رسانی موفق، اما از حدود الفاظ و عبارات فاصله گرفته‌اند؛

و مخاطب ترجمه‌ها نیز از نظر کاربردی متفاوتند؛

برخی از ترجمه‌ها به قشر خاصی از جامعه تعلق دارد (تنها محققان و ادیبان و اهل نظر می‌توانند از آن بهرمنند گردند)؛ و

برخی دیگر به گونه‌ای سامان یافته‌اند که برای نسل معاصر قابل استفاده نیستند و کاربرد عمومی ندارند.

با توجه به واقعیت‌های یادشده، و با درک نیازهای نسل معاصر در کلاس‌های گوناگون علوم انسانی و معارف

و نهج البلاغه، بر آن شدیم تا ترجمه‌ای گویا و متناسب با اهداف کاربردی از نهج البلاغه تحقق پذیرد که:

الف - قابل فهم و درک برای عموم افراد جامعه باشد؛

ب - به گروه خاصی از جامعه تعلق نداشته باشد؛

ج - اصل پیام رسانی دقیقاً رعایت گردد؛

د - از هرگونه رمز و اشاره و کنایه و کلی‌گویی اجتناب شود؛

ه - مخاطب‌های امام علیه السلام آشکارا معرفی گردند؛

و - توضیحات ضروری در متن یا پاورقی آورده شود؛

ز - پیام ضرب‌المثل‌ها کشف، و به نسل معاصر شناسانده شود؛

ح - مفاهیم نهج البلاغه در قالب هزاران عنوان زیبا و گویا ارائه شود.

تا همه اقشار جامعه بتوانند از آن بهرمنند گردند.

با چنین آرزوها و اهداف ارزشمندی در آستانه نهج البلاغه زانو زدیم و از نور ولایت علوی مدد گرفتیم؛ که

همه از برکات کلاس‌های آموزشی و عنایات حضرت مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علیه السلام است. آری:

به ذره گر نظر لطف بو تراب کند
به آسمان رود و کار آفتاب کند

• دوم - نگاهی به ترجمه‌ها

برای شناخت صحیح ترجمه‌ها و توان کاربردی آن، باید از سطوح مختلف و گوناگون مفاهیم نهج البلاغه آگاهی داشت؛ باید بدانیم که: ژرفای اقیانوس موج علوم علوی چگونه است؟ و معارف بلند و وحی گونه نهج البلاغه دارای چه ویژگی‌ها و تقسیماتی است؟ آنگاه به سراغ ترجمه‌ها برویم. و توان کاربردی آنها را مورد ارزیابی قرار دهیم. معارف عمیق و ارزشمند نهج البلاغه را می‌توان در سطوح مختلف و عمومی، تخصصی و فوق تخصصی به ارزیابی گذاشت.

الف - مفاهیم عمومی

مفاهیمی مانند مباحث تاریخی، اخلاق فردی، خودسازی، اخلاق عمومی، تذکرات عمومی، گفتگوهای عادی با مردم، با فرزندان و با کارگزاران حکومتی مفاهیمی عمومی‌اند.

نسبت به این دسته از معارف نهج البلاغه، مشکل خاصی وجود ندارد و هرگونه ترجمه‌ای مفید است؛ ترجمه آزاد یا مقید به متن، یا ترجمه‌ای ادبی و... و با الفاظ و عباراتی قدیمی یا نوین.

ب - مفاهیم و معارف تخصصی

برخی دیگر از مباحث نهج البلاغه، فنی و تخصصی است و به علوم و فنون و رشته‌های تخصصی بسیاری از معارف و علوم انسانی و غیر انسانی تعلق دارد. از این روزبان خاص خودش را می‌طلبد، و الفاظ و عبارات و شیوه‌های تحقیق مربوط به همان رشته‌ها را لازم دارد، مانند:

• مباحث کلامی، فلسفی، اعتقادی

• مباحث اقتصادی

• مباحث سیاسی و مدیریتی

• مباحث نظامی، جنگ و صلح، آموزش نظامی

• مباحث بهداشتی، طب و درمان

• مباحث روانشناسی، روانکاوی، روانشناسی بالینی (درمانی)

• مباحث جامعه‌شناسی

و دیگر مباحث ارزشمندی که به ده‌ها رشته علمی مصطلح امروز ارتباط پیدا می‌کند. طبیعی است که تنها با ترجمه الفاظ و عبارات نهج البلاغه نمی‌توان مفاهیم این دسته از مباحث تخصصی را به خوانندگان منتقل کرد. باید صاحب نظران هر یک از رشته‌های یادشده از دیدگاه تخصصی خویش به ارزیابی و کنکاش پردازند تا حق مطلب اداء شده و ترجمه و تفسیر صحیحی تحقق پذیرد.

با توجه به این واقعیت است که می‌گوییم: برای نهج البلاغه، ترجمه‌ها و تفاسیری گوناگون ضرورت دارد تا مفاهیم گرانسنگ آن در تمام ابعاد، کشف و شناسایی گردد. زیرا پژوهشگری که تخصص او در رشته اقتصاد است و مباحث اقتصادی نهج البلاغه را خوب می‌فهمد و با دیگر دیدگاه‌های اقتصادی جهان معاصر تطبیق می‌دهد، قطعاً در مباحث روانشناسی نهج البلاغه ناتوان است و نمی‌تواند مفاهیم عمیق روانکاوی و روان درمانی این کتاب را کشف و شناسایی و در قالب عبارات زیبایی ارائه دهد.

از این رو، شروح و ترجمه‌هایی که هم اکنون در جهان اسلام موجود است این مشکل را دارند که در تمام ابعاد نهفته در نهج البلاغه، کارآیی ندارند، زیرا هر کدام براساس شناخت و توانمندی خویش قلم زده‌اند. باید علوم و فنون بیفته شده در نهج البلاغه کشف و شناسایی گردد، سپس مشخصان هر یک از رشته‌ها

جذب و سازماندهی شوند و در یک حرکت پژوهشی دسته جمعی حساب شده، ترجمه نهج البلاغه با جامعیت بایسته‌ای سامان پذیرد که:

فقیه جامع الشرائطی، مباحث فقهی نهج البلاغه را عمیقاً کشف و شناسایی کند و روانشناسی، مباحث روانشناسی و روانکاوی نهج البلاغه را استخراج نماید و اقتصاد دانی، مباحث اقتصادی نهج البلاغه را در قالب‌های زیبایی طرح کند و هر متخصص صاحب نظری در یک هماهنگی لازم با دیگر متخصصان، نکته‌ها و ظرائف نهفته در رشته اختصاصی خویش را بخوبی بشناسد و هنرمندانه بشناساند. آنگاه می‌توان با خاطری آسوده بگوییم: کار ترجمه و تفسیر نهج البلاغه پایان یافت.

ج - مباحث فوق تخصصی

دسته‌ای دیگر از مباحث نهج البلاغه فوق تخصصی است و تنها با داشتن تخصص‌های مصطلح و معمولی در رشته‌های علمی، نمی‌توان در ژرفای مفاهیم آن شنا کرد بلکه ابزار و علوم و فنون خاص خودش را می‌طلبد تا بدرستی شرح و تفسیر گردند. در این قسمت نیز ترجمه‌ها ر برخی از شروح موجود نهج البلاغه نمی‌توانند به همه نیازهای پژوهشگران پاسخ مثبت دهند، مانند:

الف - شناخت تشابهات نهج البلاغه؛

ب - شناخت مباحث عمیق فقهی و حل تضادهای ظاهری؛

ج - شناخت ضرب المثلها و استخراج پیامهای اصلی آن؛

د - روش رفع تعارض ظاهری بین حدیث و قرآن؛

ه - رفع تعارض ظاهری نهج البلاغه با مبانی اعتقادی.

با کمال تأسف باید اعتراف کنیم که تمام ترجمه‌های موجود و اکثر شروح نهج البلاغه، نسبت به این قسمت از مباحث فنی آسان گذشته‌اند. نه تنها پیام اصلی ضرب المثل‌ها را نیاوردند، بلکه تنها با ترجمه ظاهری عبارات، مشکلاتی نیز به وجود آورده‌اند. عام و خاص، مطلق و مقید، درست ترجمه نشده و اهداف آموزشی امام علیه السلام ناشناخته مانده، و معلوم نشد که چرا:

یک‌جا دنیا را نکوهش کرده و در جای دیگر، آن را می‌ستاید؟ در خطبه‌ای تعقیب فراریان مطرح است و در نامه‌ای دیگر ترک تعقیب؟ یک‌جا دستور ریشه کن شدن مهاجمان و در چند خطبه دیگر دستور مدارا کردن با زخمی‌ها و فراریان مطرح است؟ در خطبه‌ای حکومت را نکوهش و در خطبه‌ای دیگر، ستایش می‌کند؟ نسبت به بانوان مطالبی به ظاهر متضاد وجود دارد؟ دنیاگرایی و ترک دنیا به هم آمیخته شده؟ دخالت در مسائل سیاسی را با انزواگرایی در کنار هم قرار داده است؟ کار و تولید، با ترک مال دنیا در کنار هم قرار داده شده؟ در نتیجه، خوانندگان ترجمه‌های موجود، دچار نوعی سرگردانی و اضطراب می‌شوند که سرانجام اهداف آموزشی امام علیه السلام کدام است؟ و کدام یک را باید باور داشت؟ این دسته از مباحث فوق تخصصی باید با روش‌های دقیق اجتهاد، و اصول صحیح استنباط، هماهنگ با مبانی اعتقادی شیعه و در چهارچوب علم «تبادل و تراجیح» که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر معصومین علیهم السلام به ما آموخته‌اند بررسی شود، تا نتایج مطلوب به دست آید که خود فرمودند و به ما آموختند:

• تضاد و تعارض در آیات قرآن وجود ندارد.

• تضاد و تعارض بین احادیث و قرآن وجود ندارد.

• تضاد و تعارض بین احادیث معصومین علیهم السلام وجود ندارد.

و در خطبه ۱۸۹ نهج البلاغه تذکر دادند که این گونه پژوهش ها از عهده هر کسی بر نیاید:

إِنَّ أَمْرَنَا صَغْبٌ مُسْتَصْعَبٌ، لَا يَحْمِلُهُ إِلَّا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ وَلَا يَحْيِي حَدِيثَنَا إِلَّا صُدُورٌ أَمِينَةٌ وَأَخْلَامٌ رَزِينَةٌ

شناخت مسائل ما، کاری است بس دشوار، که جز بنده مؤمنی که خداوند قلبش را با ایمان آزموده آن را نپذیرد، و احادیث ما را جز سینه های امانتدار و عقل های سالم نمی توانند نگاهبان باشند. این دسته از مباحث را باید با فراگیری علوم مقدّماتی حوزه های علمیه و آگاهی از اصول استنباط و شیوه های اجتهاد، به ارزیابی گذاشت و در ترجمه، حاصل تحقیقات عمیق و گسترده را گنجانند، تا خواننده ترجمه نهج البلاغه به آسانی پیام امام علیه السلام را دریافت کند.

● سوم - آرزوها

از آغاز تحصیلات حوزوی (سال های ۴۳-۵۰) که ترجمه های موجود را مطالعه می کردم و کاستی های مفهومی را می یافتم، نگران و در فکر چاره اندیشی بودم که یکی از نوشته های جرج جرداق مسیحی، (استاد ادبیات عرب در لبنان) را خواندم که اعتراف کرده بود: «جاذبه های کلمات امام علی علیه السلام شوری در من ایجاد کرد که ۲۰۰ بار نهج البلاغه را مطالعه کردم».

چنان بر خود لرزیدم و به تعصب و غرور اعتقادی من ضربه وارد شد که تا مدتی حالت عادی نداشتم. بر خود نفرین کردم که چرا یک مسیحی، ۲۰۰ بار نهج البلاغه را می خواند اما من که خود را از شیعیان امام علی علیه السلام می شمارم و ادعای محبت و ولایت او را دارم به راستی چندبار نهج البلاغه را خوانده ام؟ و با مفاهیم ارزشمند آن به چه میزان آشنایی دارم؟ ما که در خانواده شیعه، از پدر و مادری شیعه، و از خاندان شیعه و در کشور شیعیان قرار داریم، چرا باید با نهج البلاغه بیگانه باشیم؟ از روزی که در جلسات نویسندگی شهید مفتّح (که روزهای جمعه در منزل ایشان در کوچه ممتاز قم برگزار می شد) شرکت کردم، و موضوع انتخابی من «حکومت اسلامی» شد و شهید مفتّح فرمود: (یکی از منابع غنی که نسبت به حکومت اسلامی مباحث ارزشمند و گرانسنگی دارد، نهج البلاغه است. این کتاب را مطالعه کنید و مباحث مربوط به حکومت را استخراج و سازماندهی نمایید.) ورود من به آستانه نهج البلاغه با رهنمودهای آن استاد والا مقام که پس از انقلاب اسلامی به درجه شهادت ممتاز شد، شکل گرفت.

به سراغ نهج البلاغه رفتم، اما: فهرست جامعی نداشت؛ معجم المفهرس کاملی نداشت؛ و در ابعاد گوناگون این کتاب از نظر پژوهشی کار نشده بود. قدم اول را با طرح تدوین (معجم المفهرس نهج البلاغه) آغاز کردیم و آرزوهای ما نسبت به جهانی و همگانی شدن نهج البلاغه، تا هم اکنون با تحقیق و تدوین و انتشار بیش از ۷۰ اثر تحقیقاتی تداوم یافت. آنگاه آرزوها و ایده آل های ما نسبت به ترجمه نهج البلاغه، که حاصل تلاش ۵ سال کار مداوم و تجربیات کلاس های آموزشی از رمضان تا رمضان است ^(۱) با ویژگی های زیر سامان یافت.

۱- عنوان دادن به مطالب

برای استفاده عموم مراجعه کنندگان به سخنان علّوی، سعی کردیم تا مفاهیم و مباحث نهج البلاغه را در قالب ۲۷۳۰ عنوان کلّی و زیبا تقدیم داریم؛ زیرا عنوان زدن صحیح مطالب برای عموم افراد میسر نیست؛ و برخی در

تطبیق مفاهیم کلی با مباحث نهج البلاغه دچار مشکل می‌شوند.

عرضه مباحث نهج البلاغه در قالب عناوینی زیبا و گویا، مراجعه کنندگان را در یافتن مطالب دلخواه یاری می‌دهد و کار مطالعه و استخراج مفاهیم ارزشمند نهفته در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها را آسان می‌سازد. (۱)

۲- نامگذاری خطبه‌ها، نامه‌ها، حکمت‌ها

یکی دیگر از ویژگی‌های این ترجمه، نامگذاری خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌هاست. با این روش در یک نگاه کلی محورهای اصلی مباحث نهج البلاغه به خوبی شناسانده می‌شود و مطالعه کنندگان را در یافتن موضوعات انتخابی در نهج البلاغه کمک می‌کند.

موضوعاتی که در نامگذاری کلی خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها مطرح شده‌اند دارای حدود ۱۵۰۰ عنوان در ۷۴ رشته تخصصی است، که در آن سمت‌گیری و اهداف کلی مطالب نهج البلاغه مشخص شده است.

۳- اشاراتی به علوم و فنون

هرگز نخواسته‌ایم تا نظریه‌های علمی را بر نهج البلاغه تحمیل، یا نهج البلاغه را توجیهی برای دیدگاه‌ها و نظریه‌های علمی مطرح جهان معاصر قرار دهیم.

هدف ما این بود که هر جا کاش های علمی، و مرزهای اندیشه بشری توانسته پرده‌ای از روی واقعیتی بردارد و به افق همیشه نورانی نهج البلاغه نزدیک شود، آن نمونه‌ها را در پاورقی ترجمه آورده‌ایم؛ مانند نمونه‌هایی که امروز در جهان علم با ابزارها و روش‌های پیشرفته شناسایی گردیده و حال آن که در ۱۴ قرن قبل در کلمات نورانی امیر بیان، حضرت علی (علیه السلام) آمده است.

به نمونه‌هایی توجه فرمایید: امام (علیه السلام) در خطبه‌های ۱۲ و ۱۴ در نکوهش مردم بصره، عوامل زیست محیطی را در فریب خوردگی مردم مطرح فرمود که امروز در رشته اکولوژی (ECOLOGIE) به این گونه از واقعیت‌ها دست یافته‌اند. یا در روانشناسی و روانکاوی و انسان شناسی و تربیت کودک، دستوراتی دارند که امروزه در جهان معاصر در رشته‌های تخصصی علوم به اثبات رسیده است.

۴- ویژگی عمومی بودن ترجمه

هدف مهم ما در این ترجمه، رعایت اصل سادگی، و عمومی بودن آن بود که همه اقشار و سطوح متفاوت فکری موجود در جامعه، بدون مراجعه به کتب تفسیری و لغت و تاریخ، بتوانند از آن استفاده کنند.

۵- رعایت اصل «پیام رسانی» در ضرب المثل‌ها

در فرهنگ همه ملت‌ها، ضرب المثل‌هایی وجود دارد و در ضرب المثل‌ها، پیام‌ها و اهدافی نهفته است. اگر در ترجمه‌ها «اصل پیام رسانی» رعایت نشود، ضرب المثل‌های اقوام و ملل برای یکدیگر قابل فهم نخواهد بود، و چون در ترجمه‌های موجود نهج البلاغه، غالباً اصل پیام رسانی رعایت نشده، و با ترجمه ظاهری عبارات، اهداف واقعی گوینده قابل دسترسی نیست، خواننده فارسی زبان حق دارد پرسد:

- «من گفتار نیستم» یعنی چه؟ و گفتار چیست؟ (وَاللّٰهُ لَا اَكُوْنُ كَالضَّبْعِ، خطبه ۵)
- «چون بچه شتر دنبال شتر بودم» چه مفهومی دارد؟ (كَاتَّبَاعِ الْفَصْلِ اَثَرُ اُمِّهِ، خطبه ۱۹۲)

• «زن عقرب است» یعنی چه؟ چرا باید به زنان اهانت شود؟ (الْمَرْئَةُ عَقْرَبٌ) (۱)

اگر بدانند که این ضرب المثل ها برای رساندن مفهوم خاصی در ملت ها پدید آمدند، و پیام خامشی را در شرائط حاکم بر همان ملت و همان فرهنگ به همراه دارند و اگر در ترجمه ضرب المثل ها، اصل پیام رسانی رعایت گردد، بسیاری از اعتراضات مطرح نخواهد شد.

پس از تحقیق و بررسی در ضرب المثل های نهج البلاغه، و شناخت کاربردی آن در روزگاران گذشته به این نتیجه می رسیم که امام علیه السلام در خطبه ۵ می خواهد بفرماید که:

«من از مسائل سیاسی کشور غافل نیستم.»

و در خطبه ۱۹۲ این مفهوم را می خواهد منتقل کند که:

«من چونان فرزندی که از مادر جدا نمی شود، همواره با پیامبر بودم.»

و حکمت ۶۱، یک ضرب المثل است و این پیام را دارد که:

«نیش زن برای شوهرش شیرین است!»

۶- تفسیر صحیح متشابهات

واژه های دنیا، حکومت، لذت، عشق، مال و برخی دیگر از کلمات و عبارات، در جاهای گوناگون، متفاوت و در ظاهر متضاد، وصف و مطرح شده اند:

در یک جا عام و فراگیر و در جایی خاص و محدود است.

اگر دنیا در برخی از خطبه ها نکوهش شد، دنیای عام و دنیای خارج و نظام هستی نیست، بلکه علل و عواملی مطرح است، زیرا در موارد دیگر دنیا را می ستاید.

اگر یک جا حکومت را نکوهش می کند، در جای دیگری آن را یک ضرورت می داند؛

اگر یک جا نسبت به محبت دنیا هشدار می دهد، در جای دیگری محبت دنیا را امری طبیعی می داند، پس ستایش یا نکوهش علل و عوامل دارد و ده ها و صدها نمونه که محتاج به پژوهش های عمیق و بایسته ای می باشد. در این گونه از موارد نباید به ترجمه ظاهری عبارات رضایت داد، زیرا برای خوانندگان، هدایتگر نخواهد بود. گاهی باید تفسیر و ترجمه را به هم آمیخت، تا اهداف اصلی و مبانی اعتقادی امام علیه السلام، روشن و بدون ابهام در دسترس عموم قرار گیرد.

در ترجمه های موجود، «النساء نَوَاقِصُ الْعُقُول» را همه چنین ترجمه کرده اند: «عقل زنان ناقص است.» و «الْمَرْئَةُ شَرُّ كُلِّهَا» را همه ترجمه کرده اند که: «زن همه اش شر است.»

در صورتی که در قرآن کریم و نهج البلاغه، نظام هستی، نظام احسن معرفی شده، و امام علیه السلام خود عدل الهی را به جهانیان شناسانده است و می دانیم که خدا شر نیافریده، و پدیده های پروردگاری شر نیستند.

پس قرآن و سنت مسلمة و فلسفه و کلام و مبانی اعتقادی با ظاهر عبارات یاد شده در تضاد است، و در ترجمه های ظاهری الفاظ و عبارات نیز، تضادها برطرف نمی گردد، که همواره اعتراض های خوانندگان را به همراه خواهد داشت.

اگر پس از بررسی های لازم به این نتیجه برسیم که: امام در خطبه ۸۰ در مقام بیان تفاوت های موجود میان زنان و مردان است، و «نواقص» در اینجا به معنای «تفاوت» است. و در حکمت ۲۳۸، واژه شر را به معنای بد و

بدی‌ها استعمال نکرده، بلکه خواسته بفهماند که، ازدواج و تشکیل زندگی مسؤولیت‌ها و مشکلاتی دارد، همان ضرب المثل فارسی که می‌گویند: «زن و بچه درد سرند و بی دردسر هم نمی‌توان زندگی کرد». آنگاه برداشت‌های منفی و اعتراض‌های بیجا مطرح نخواهد شد. (۱)

۷- آوردن نکات تاریخی

در پاورقی این نسخه، تاریخ نهج البلاغه آمده است که دارنده این نسخه را از مراجعه به کُتب تاریخ بی‌نیاز می‌سازد.

۸- آوردن اسامی اشخاص و اماکن

نکات تاریخی، و اسامی اشخاص و اماکن را بدان جهت آوردیم تا خوانندگان با داشتن همین ترجمه از مراجعه به دیگر کتاب‌های تاریخی بی‌نیاز باشند.

۹- آوردن شأن نزول خطبه‌ها

با تلاش فراوان، آن مقدار از حوادث و تحولات و زمینه‌هایی را که در پدید آمدن خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها نقش داشتند، به عنوان «شأن نزول» در آغاز خطبه‌ها آوردیم تا خوانندگان با حال و هوای صدور مطالب نهج البلاغه آشنا شوند، و بدانند که نهج البلاغه «کجایی» است؟! زیرا توجه به شأن نزول نهج البلاغه تأثیر تعیین‌کننده‌ای در فهم مطالب و مفاهیم آن خواهد داشت.

۱۰- فهرست موضوعی

یکی دیگر از آرزوهای ارزشمند، تهیه و تدوین «فهرست موضوعی نهج البلاغه» بود که همواره ذهن ما را به خود مشغول می‌داشت؛ زیرا ترجمه‌های موجود بدون فهرست موضوعی منتشر شده بودند. استخراج عناوین کلی و جزئی و سازماندهی عناوین، و تطبیق علوم و فنون با مفاهیم نهج البلاغه، و خلق و ابداع فهرست‌های زیبا و قالب‌های گویا برای شناخت مباحث آن، سالیان طولانی ما و جمعی از پژوهشگران مؤسسه را به تلاش واداشت؛ ابتدا کتاب «فرهنگ موضوعات کلی نهج البلاغه» را با حدود چهار هزار عنوان در ۷۴ رشته تخصصی تدوین و منتشر ساختیم.

سپس در مدت ۷ سال «فرهنگ معارف نهج البلاغه» را با همکاری جمعی از محققان مؤسسه، در پانزده هزار عنوان کلی و جزئی فراهم آوردیم و در یک اقدام گسترده و فراگیر در تدوین «دائرة المعارف بزرگ نهج البلاغه» کار استخراج فهرست‌ها و قالب‌های مفهومی را به صد هزار عنوان رساندیم، که در فهرست موضوعی این ترجمه، تنها ۱۸ هزار عنوان جزئی و کلی آمده است.

۱۱- آوردن توضیحات ضروری در متن و پاورقی

چون هدف ما در این ترجمه، بهره‌برداری عموم اقشار جامعه بود، که در سفر و حضر بتوانند از نهج البلاغه استفاده کنند، و در همه‌جا منابع تحقیق و کُتب تاریخی یافت نمی‌شود و همه‌جا نمی‌توان از شروح گوناگون نهج البلاغه استفاده کرد بر آن شدیم تا توضیحات ضروری نسبت به مفاهیم، رویدادها، تحولات سیاسی، تاریخی را در متن یا در پاورقی بیاوریم که عموم اقشار جامعه بتوانند از مباحث ارزشمند آن استفاده کنند.

۱۲- حل تضادهای ظاهری

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم این ترجمه، حل تضادهای ظاهری است که در نهج البلاغه بحثی مطرح شده

است که با ظاهر احکام اسلامی یا قرآن کریم تضاد دارد، به گونه‌ای ترجمه کرده‌ایم که تضادها برطرف گردند که به مباحث فنی و روش اجتهاد شیعه ارتباط دارد، زیرا ما معتقدیم امام معصوم علیه السلام با قرآن و دیگر روایات معصومین علیهم السلام تضادی ندارد.

۱۳- آوردن اختلاف نسخه‌ها (در متن عربی)

متن عربی نهج البلاغه با ۱۵ نسخه قدیمی از اواسط قرن چهارم (۱۵۰ سال پس از وفات سید رضی) تاکنون، مقابله و تصحیح شد، و اختلافات مهم و عبارات گوناگونی که در معانی جملات تأثیر داشت در داخل علامت () آورده شد تا محققان و شارحان در مراجعه به این نسخه بتوانند جنبه‌های گوناگون یک واژه یا یک جمله را دریابند.

۱۴- شماره گذاری متن عربی

در سال‌های (۱۳۵۳-۱۳۵۴) که به فکر تدوین «معجم المفهرس نهج البلاغه» افتادیم اولین مسئله‌ای که در راستای کار ما قرار داشت این بود که متن نهج البلاغه یک خط در میان شماره گذاری شود و همه آدرس‌ها بر اساس شماره‌های متن سازماندهی گردد تا یافتن مطالب دلخواه در خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌های طولانی به آسانی میسر باشد و مراجعه کننده ناچار نباشد برای یافتن یک واژه، یک یا چند صفحه را جستجو کند. و چون پس از انتشار «معجم المفهرس» در ایران و دیگر کشورهای اسلامی، شماره‌های ثبت شده، در صدها هزار نسخه موجود است، در این ترجمه نیز همان شماره‌ها همراه متن عربی ثبت شد تا برای عموم محققان اسلامی قابل استفاده باشد.

تذکر: به علت صفحه بندی جدید، بعضی از آدرس‌ها تغییر کرده است، پس اگر موضوع مورد نظر خود را در خط آدرس داده شده، پیدا نکردید، آنرا در یک خط قبل یا یک خط بعد، بیابید.

۱۵- آوردن موضوعات کلی خطبه‌ها، نامه‌ها، حکمت‌ها

گرچه در کتاب (فرهنگ موضوعات کلی نهج البلاغه) موضوعات عام و کلی خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه را مشروحاً آورده‌ایم اما در این نسخه، در متن عربی، زیر شماره‌های خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها، عناوین کلی و فهرست‌های عام هر یک را ثبت کرده‌ایم که گویای مفاهیم نهفته در آن می‌باشد و مراجعه کننده در اولین برخورد با واژه (سیاسی، اجتماعی، اخلاقی) همراه خطبه یا نامه یا حکمت، سمت‌گیری آن را درک می‌کند و می‌فهمد که این خطبه اخلاقی یا آن نامه سیاسی است که در پیام رسانی و ارزیابی آغازین مباحث نهج البلاغه، نقش بسزائی دارد، این ویژگی در هیچکدام از نسخه‌های موجود به چشم نمی‌خورد.

۱۶- ترجمه توضیحات سید رضی رحمته الله علیه با عنوان [مردم]

در برخی از ترجمه‌های نهج البلاغه و شرح و تفسیر آن، توضیحات ارزشمند سید رضی ترجمه نشده است و برخی از آوردن آن نیز صرف نظر کرده‌اند در صورتی که توضیحات سید رضی از نظر لغوی و ادبی آثار بسیار تعیین کننده‌ای در فهم مطالب نهج البلاغه دارد. در این نسخه، تمامی توضیحات سید رضی با ترجمه آن، هرکدام در جایگاه خاص خودش بگونه‌ای زیبا آورده شد.

۱۷- مشخص کردن مرجع ضمائر

در این ترجمه، تلاش کرده‌ایم تا مرجع ضمائر (هو، هم، آنهم، آنها) را دقیقاً مشخص کرده و در ترجمه بیاوریم که قابل استفاده عموم طبقات جامعه باشد و مطالعه کننده این نسخه، جایگاه اصلی ضمائر را بشناسد.

۱۸- مشخص کردن مخاطب‌های امام علیه السلام در نهج البلاغه

یکی دیگر از ویژگی‌های این ترجمه که برای عموم مراجعه کنندگان قابل استفاده می‌باشد و کاربرد عمومی دارد، مشخص کردن مخاطب‌های امام علیه السلام در نهج البلاغه است که امام علی علیه السلام با چه کسی یا افرادی سخن

می‌گوید؟ شناخت مخاطب‌های امام علیه السلام، ما را در ارزیابی مفاهیم نهج البلاغه کمک می‌کند.

۱۹- تفسیر صحیح عام، خاص، مطلق، مقید

یکی از مشکلات پژوهشی و نظری عموم افراد جامعه ما، مشکل حل متشابهات، و بررسی تطبیقی عام و خاص و مطلق و مقید در احادیث و روایات اسلامی است. و چون همه مترجمان نهج البلاغه شیوه ترجمه تحت اللفظی را برگزیدند، مراجعه کنندگان به ترجمه‌ها دچار نوعی سرگردانی در فهم نهج البلاغه می‌شوند که در یک خطبه، دنیا نکوهش و در خطبه دیگری ستایش شده است چرا؟ و می‌پرسند آیا این اختلاف و تضاد را می‌شود حل کرد؟ اگر مترجمان در مباحث عام و خاص و مطلق و مقید، رعایت مفاهیم را می‌کردند و عام تخصیص زده را به گونه‌ای مطلق و فراگیر ترجمه نمی‌کردند و مطلق را با قید آن می‌آوردند، این همه حیرت و سرگردانی وجود نداشت. ما سعی کرده‌ایم این اصل را رعایت کنیم. اگر درجائی دنیا نکوهش می‌شود با بررسی‌های مداوم علت آن را آورده‌ایم که دنیای (حرام) یا (شبهه ناک) است، و اگر در جای دیگر دنیا ستایش می‌شود توضیح داده‌ایم که دنیای (حلال) است.

۲۰- تبیین صحیح اهداف امام علیه السلام در طرح ارزش‌ها

بسیاری از مترجمان شیوه ترجمه تحت اللفظی را برگزیدند و معتقدند که:

(ما باید تعهد خود را در ترجمه پاسدار باشیم.)

البته این خود مکتب و راه و روشی است محترم و ارزشمند، اما از نظر کاربردی و پیام‌رسانی در برخی از موارد، مشکلات فراوانی را به همراه دارد. با دگرگونی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، و دگرگونی واژه‌ها در پیام‌رسانی‌ها، نسل امروز معانی و مفاهیم نهفته در برخی از عبارات قرآن و احادیث را نمی‌تواند درک کند، در صورتی که ما به امام علی علیه السلام تعهد داده‌ایم تا پیام او را به نسل امروز برسانیم و در این پیام‌رسانی باید از انواع سبک‌ها و شیوه‌ها استفاده کنیم و گاهی نیز ناچاریم مقید به ظاهر الفاظ و عبارات نباشیم.

پس برای تبیین صحیح اهداف امام علیه السلام در طرح ارزش‌ها، ناچاریم از شیوه ترجمه (تحت اللفظی) اندکی فاصله گرفته و با تفسیر و ارزیابی صحیح عبارات و کلمات، پیام حضرت مولی علیه السلام را به نسل امروز برسانیم.

۲۱- آوردن آدرس آیات قرآن

اینکه گفته‌اند: «نهج البلاغه فوق کلام خلق است»

حرفی است ارزشمند و دوست داشتنی، اما در دنباله آن قضاوت فرمودند که: «دون کلام خالق است» این سخن را نشاید که پذیرفت. زیرا نهج البلاغه در تفسیر و تحلیل کلام خداوندی است، نور است و در امتداد نور الهی می‌درخشد، دون، پستی، پائینی، و هر واژه دیگری که سمت و سوی نزول و فرود و سقوط داشته باشد نسبت به نهج البلاغه مردود و مطرود است، بلکه باید گفت:

«نهج البلاغه فوق کلام خلق و در پرتو کلام خالق است.»

زیرا حدیث، تفسیر آیات الهی است، واسطه فیض است، در همان اوج و والائی وحی الهی جای دارد، از این رو آدرس تمام آیات قرآن نهفته در کلام حضرت مولی علیه السلام را در پاورقی متن عربی آورده‌ایم تا اگر کسی خواست به قرآن مراجعه کند میسر باشد.

۲۲- آوردن برخی از اشعار ضروری

این هدف بسیار ارزشمند هنری، آموزشی را در طول ۱۲ سال، لباس عمل پوشانده و ۱۵۰ دیوان شعر شاعران فارسی زبان را بر سر سفره نورانی نهج البلاغه نشانیدیم که کتاب (فرهنگ شعر شاعران در نهج البلاغه) در دو جلد انتشار یافته است تا اساتید مجرب در تدریس مفاهیم حدیث، از جاذبه هنری اشعار

استفاده کنند. در این ترجمه نیز هر جا که ضروری تشخیص داده‌ایم در پاورقی، برخی از اشعار زیبا و شیرین را آورده‌ایم.

۲۳- آوردن مدارک احادیث موجود در کتاب

با عنایات الهی و توجّهات خاصّه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اسناد و مدارک خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها را در کتاب مستقی با نام (اسناد و مدارک نهج البلاغه) که جلد یازدهم (مجموعه آشنائی با نهج البلاغه) می‌باشد مشروحاً آورده‌ایم، اما در این نسخه به مدارک و منابعی که جناب سید رضی رحمته الله آورده است اکتفا نموده‌ایم.

۲۴- آوردن آمار و ارقام ضروری

آمار و ارقام، ما را در ارزیابی و نتیجه‌گیری کمک می‌کنند، و در تحلیل تاریخ نقش بسزائی خواهند داشت. در این نسخه، هر کجا که لازم بود، از آوردن ارقام و آمار خودداری نورزیده و با استفاده از منابع تاریخی، آمار ضروری را ثبت کرده‌ایم.

۲۵- بررسی تطبیقی مکاتب (در پاورقی)

در طول سال‌های ۱۳۵۳ تا کنون، که در مراکز گوناگون آموزشی، در دبیرستان‌ها و مراکز تربیت معلم، و دانشگاه‌ها، به تدریس نهج البلاغه و معارف اسلام اشتغال داشته و داریم، با این حقیقت روشن آشنا شدیم که در تمام محورهای خط فکری نسل جوان، نهج البلاغه رهنمودهای تعیین‌کننده دارد و در هجوم ایسم‌ها و ایست‌ها، بهترین پناهگاه است که قدرت دفاعی لازم به نسل ما می‌دهد تا ارزش‌های اسلامی خود را پاسدار باشند، و تمامی مکاتب وارداتی را بتوانند عالمانه نقد کنند. از این رو در پاورقی این نسخه سعی کرده‌ایم اشاراتی به مکاتب مصطلح روز، داشته باشیم تا خوانندگان این ترجمه رهنمودی در نقد و ارزیابی مکاتب و بررسی تطبیقی آن داشته باشند، و برای تحقیقات گسترده‌تر به کتب و منابع خاصّ خودش مراجعه کنند.

امیدواریم این ترجمه، با ویژگی‌های یاد شده، خشنودی حضرت مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیه السلام را - هر چند اندک - فراهم کرده باشد، که اهل و معدن و اصل کرامت است که با بزرگواری خویش، دست روسیاهان بر خاک مانده را خواهد گرفت. ان شاء الله

مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام

محمد دشتی

زمستان ۷۸

❖ مقدمه سید رضی رحمه الله بر نهج البلاغه

ستایش خدا را سزااست که حمد را بهای نعمت‌ها و پناهگاه از بلاها، و وسیله رسیدن به نعمت‌ها و بهشت جاویدان، و موجب افزایش احسان و کرمش قرار داد. درود بر پیامبر رحمت، و پیشوای رهبران الهی و چراغ روشنی بخش امت، که ریشه‌های وجودش بزرگواری و درخت اصل و نسبش پر برگ و پر ثمر بوده است. و درود بر اهل بیتش که چراغ‌های روشنی بخش تاریکی‌ها، و وسیله نجات امت‌ها، و نشانه‌های روشن دین و مرکز ثقل فضیلت و برتری می‌باشند. درود بر همه آنان باد؛ درودی که با فضل و بزرگواری آنها برابری کند؛ و پاداش اعمال آنها قرار گیرد؛ پاداشی که مناسب با پاکیزگی اصل و فرع ایشان است. درود بر آنان باد تا زمانی که سفیده صبح گریبان شب را می‌شکافد و ستارگان طلوع و غروب می‌کنند.

• چگونگی پیدایش کتاب نهج البلاغه

در آغاز جوانی و طراوت زندگی، دست به تألیف کتابی در «خصائص و ویژگی‌های ائمه علیهم السلام» زدم که مشتمل بر خبرهای جالب و سخنان برجسته آنها بود.

انگیزه این عمل را در آغاز آن کتاب یادآور شدم و آن را آغاز سخن قرار داده‌ام.

پس از گرد آوردن خصائص امیرمؤمنان علیه السلام مشکلات و حوادث روزگار مرا از اتمام بقیه کتاب، باز داشت. من آن کتاب را مبوّب نموده و به فصل‌های مختلفی تقسیم کرده بودم در پایان آن، فصلی که متضمن سخنان جالب امام علیه السلام از سخنان کوتاه در مواعظ، حکم، امثال و آداب - «نه خطبه‌های طولانی و نه نامه‌های گسترده» - آورده شد. برخی از دوستان آن را جالب و شگفت‌انگیز، از جنبه‌های گوناگون دانستند، و از من خواستند کتابی تألیف کنم که سخنان برگزیده امیرمؤمنان علیه السلام در جمیع فنون و بخشهای مختلف، از خطبه‌ها، نامه‌ها، مواعظ و ادب در آن گرد آید؛ زیرا می‌دانستند این کتاب متضمن شگفتی‌های بلاغت و نمونه‌های ارزنده فصاحت و جواهر سخنان عرب و نکات درخشان از سخنان دینی و دنیوی خواهد بود که در هیچ کتابی جمع‌آوری نشده و در هیچ نوشته‌ای تمام جوانب آن گرد آوری نگردیده است؛

زیرا امیرمؤمنان منشأ فصاحت و منبع بلاغت و پدیدآورنده آن است.

مکنونات بلاغت بوسیله او آشکار گردیده، و قوانین و اصول آن از او گرفته شده است؛

تمام خطباء و سخنرانان به او اقتداء نموده و همه واعظان بلیغ از سخن او استمداد جسته‌اند.

با این همه، او همیشه پیشرو است آنها دنباله‌رو، او مقدم است آنها مؤخر، زیرا سخن او کلامی است که آثار علم الهی، و بوی عطر سخن پیامبر را به همراه دارد.

از این رو خواسته دوستان را اجابت کردم و این کار را شروع کرده، در حالی که یقین داشتم سود و نفع معنوی آن بسیار است، و به زودی همه جا را تحت سیطره خود قرار - نواهد داد و اجر آن ذخیره آخرت خواهد بود.

منظورم این بود که علاوه بر فضائل بی‌شمار دیگر، بزرگی قدر، و شخصیت امیرمؤمنان را از این نظر روشن سازم که: امام علی علیه السلام تنها فردی است که از میان تمام گذشتگانی که سخنی از آنها به جامانده، به آخرین مرحله فصاحت و بلاغت رسیده و گفتار او اقیانوسی است بیکرانه، که سخن هیچ بلیغی به پایه آن نخواهد رسید.

خواستم در افتخار کردن به امام علیه السلام به قول شاعر معروف «فَرَزْدَق» متمثل شوم (که در مورد افتخار به پدارن

خود به شخصی به نام «جریر» خطاب می‌کند).

إِذَا جَمَعْتُنَا يَا جَرِيرُ الْمَجَامِعُ

أُولَئِكَ أَبَائِي فَجِئَنِي بِمِثْلِهِمْ

(ای جریر! اینها پدران و نیاکان منند اگر می‌توانی در آن هنگام که در مجمعی گرد آمدیم همانند آنها را

سخنان آن حضرت بر مدار سه اصل می چرخد:

اول - خطبه ها و اوامر

دوم - نامه ها و رسائل

سوم - کلمات حکمت آمیز و مواعظ

تصمیم گرفتم ابتداء خطبه ها، پس از آن نامه ها، و سپس کلمات حکمت آمیز جالب آن حضرت را جمع کنم. سپس به هر کدام از آنها بابتی را اختصاص دادم و صفحاتی ویژه آن گردانیدم تا مقدمه ای باشد برای به دست آوردن آنچه که به آن دسترسی ندارم (و ممکن است) در آینده به آن برسم. و هر گاه سخنی از آن حضرت در مورد بحث و مناظره، یا پاسخ سؤال، و یا منظور دیگری بود که به آن دست یافتم ولی جزء هیچ یک از این سه بخش نبود، آن را در مناسب ترین و نزدیک ترین بخش قرار دادم. اگر در میان آنچه برگزیده ام فصول غیر منظم و سخنان غیر مرتبی آمده، به خاطر آن است که من نکته ها و جملات درخشان آن حضرت را جمع می کنم و منظورم حفظ تمام پیوندها و ارتباطات کلامی نیست.

از شگفتی های سخن امام علیه السلام که او خود در این زمینه تنها است و شریک و همتایی در آنها ندارد، این است که: سخن آن حضرت را که درباره زهد و مواعظ است هرگاه کسی تأمل کند و خود را از این جهت بیگانه دارد که این سخن شخصی عظیم القدر و نافذ الامر است که همه در برابر او سر فرود می آورند؛ شک و تردید نخواهد کرد که گوینده این سخن کسی است که جز در وادی زهد و پارسایی قدم نگذاشته و هیچ اشتغالی به جز عبادت نداشته است و یقین می کند که این سخن از کسی است که در گوشه خانه ای تنها و دور از اجتماع یا در یکی از غارها قرار گرفته که جز صدای خودش را نمی شنود و غیر خویش دیگری را نمی بیند، و همواره مشغول عبادت می باشد. و هیچ گاه نمی تواند باور کند که این سخن کسی است که به هنگام جنگ در دریای لشکر دشمن فرو می رفت و پهلوانان و جنگجویان نیرومند را بر زمین می افکند. و او با این حال یکی از زهاد و یکی از افراد صالح و پاک و نمونه ای است که نظیر ندارد.

این است فضائل عجیب و شگفتی زا و ویژگی لطیف او که جمع میان اضداد کرده است. بسیار می شد که من در این باره با برادران مذاکره می کردم و شگفتی آنها را از این ویژگی خاص امام علیه السلام بر می انگیزتم و راستی این خود جای عبرت و شایسته اندیشه و فکر است. اگر در اثناء سخنان انتخاب شده لفظ مردد و یا معنی مکرری آمده است، عذر من در این باره این است که در روایات مربوط به سخنان امام علیه السلام اختلاف است: گاهی سخنی را در روایتی یافتم و همان طور که بوده آن را نقل کرده ام. سپس روایت دیگری در همان موضوع به دستم رسیده که با روایت قبل یکسان نبوده، اما به خاطر مطالب بیشتری که داشته، و یا به خاطر لفظ جالب تری که در آن به کار رفته، لازم بود آن را نیز بیاورم. این نیز ممکن است بر اثر سهو و نسیان نه از روی عمد دوباره آورده شده است. با این حال ادعا نمی کنم که من به همه جوانب سخنان امام علیه السلام به طوری احاطه پیدا کرده ام که هیچ کدام از سخنان او از دستم نرفته است؛ بلکه بعید نمی دانم که آنچه نیافته ام بیش از آن باشد که یافته ام، و آنچه در اختیارم قرار گرفته کمتر از آنچه بدستم نیامده باشد.

اما وظیفه من غیر از تلاش و کوشش و سعی فراوان برای یافتن این گم شده نیست، و از خدا می خواهم در این راه مرا راهنمایی کند. بعد از تمام شدن کتاب چنین دیدم که نامش را «نَهْجُ الْبَلَاغَةِ» بگذارم؛ زیرا این کتاب درهای بلاغت را به روی بیننده می گشاید، و خواسته هایش را به او نزدیک می سازد. این کتاب هم مورد نیاز دانشمند و عالم، و هم دانشجو و متعلم است، و هم خواسته شخص بلیغ و زاهد در آن یافت می شود. در بین کلمات

امام علیؑ سخنان شگفت انگیزی در مورد توحید، عدل و تنزیه خداوند از شباهت به خلق می بینم که تشنگان را سیراب کرده، و پرده ها را از روی تاریکی شبهات بر می گیرد. از خداوند بزرگ توفیق و نگهداری از لغزش را خواستارم، و نیز می خواهم که به من در این راه مقاومت و یاری بخشد و از خطای فکر پیش از خطای زبان، و از خطای سخن، پیش از لغزش قدم، به او پناه می برم. او مرا کفایت می کند و بهترین حافظ و یاور است.

سینۀ ۴۰۰ هجری

الشَّریفُ الرَّضِیّ

«ابو الحسن محمد بن حسین الطاهر ذوالمناقب»

بخش اوّل

خطبه هار نهج البلاغه

خطبه ۱ تا ۲۴۱

اعتقادي ، علمي ، تاريخي ، سياسي
(يذكر فيها ابتداء خلق السماء والارض و خلق آدم ﷺ)

١ • عجز الانسان عن معرفة الله

- ١- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ، وَلَا يُحْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُونَ، وَلَا يُؤَدِّي حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ (الجامدون)، الَّذِي لَا يُدْرِكُهُ بَعْدُ الْهَمَمُ، وَلَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطْنِ، الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مُخَدُّودٌ،
- ٢- وَلَا نَعْتُ مَوْجُودٌ، وَلَا وَقْتُ مَعْدُودٌ، وَلَا أَجَلٌ مَمْدُودٌ. فَطَرَ الْخَلَائِقَ بِقُدْرَتِهِ، وَنَشَرَ الرِّيَّاحَ
- ٣- بِرَحْمَتِهِ، وَوَتَدَ بِالصُّخُورِ مِيدَانَ أَرْضِهِ.

٢ • الدين ومعرفة الله

- أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ، وَكَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِيقُ بِهِ، وَكَمَالُ التَّصَدِيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ، وَكَمَالُ تَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ، وَكَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ، لِشَهَادَةِ كُلِّ صِفَةٍ أَنَّهَا غَيْرُ الْمُوصُوفِ، وَشَهَادَةِ كُلِّ مَوْصُوفٍ أَنَّهُ غَيْرُ الصِّفَةِ: فَمَنْ وَصَفَ اللَّهَ نَبَخَته فَقَدْ قَرَنَهُ، وَمَنْ قَرَنَهُ فَقَدْ ثَنَاهُ، وَمَنْ ثَنَاهُ فَقَدْ جَزَّاهُ، وَمَنْ جَزَّاهُ فَقَدْ جَهَلَهُ، وَمَنْ جَهَلَهُ فَقَدْ أَشَارَ
- ٤- إِلَيْهِ، وَمَنْ أَشَارَ إِلَيْهِ فَقَدْ حَدَّهُ، وَمَنْ حَدَّهُ فَقَدْ عَدَّهُ. وَمَنْ قَالَ «فِيمَ؟» فَقَدْ ضَمَّنَهُ، وَمَنْ قَالَ «عَلَامَ؟» فَقَدْ أَخْلَى مِنْهُ. كَائِنٌ لَا عَنْ حَدَثٍ، مَوْجُودٌ لَا عَنْ عَدَمٍ. مَعَ كُلِّ شَيْءٍ لَا يُمْقَرَّنُهُ، وَغَيْرُ كُلِّ شَيْءٍ لَا يُمَزَّائِلُهُ، فَاعِلٌ لَا يَمْنَعُنِي الْحَرَكَاتُ وَالْأَلَّةُ، بَصِيرٌ إِذَا لَا مَنظُورَ إِلَيْهِ مِنْ خَلْقِهِ،
- ٥- مُتَوَحِّدٌ إِذَا لَا سَكَنَ يَسْتَأْنِسُ بِهِ وَلَا يَسْتَوْحِشُ لِفَقْدِهِ.

٣ • الطرق الى معرفة الله الأول - خلق العالم

- ٩- أَنْشَأَ الْخَلْقَ إِنْشَاءً، وَأَبْتَدَاهُ ابْتِدَاءً، بِلَارَوِيَّةٍ أَجَاهَا، وَلَا تَجَرِبَةٍ اسْتِفَادَهَا، وَلَا حَرَكَةٍ أَخَذَتْهَا، وَلَا هَمَامَةٍ نَفْسٍ اضْطَرَبَ فِيهَا. أَحَالَ الْأَشْيَاءَ لِأَوْقَاتِهَا، وَلَامَبَيْنَ مُخْتَلِفَاتِهَا، وَغَرَزَ
- ١٠- غَرَائِزَهَا، وَالْزَمَهَا أَشْبَاحَهَا، عَالِمًا بِهَا قَبْلَ ابْتِدَائِهَا، مُحِيطًا بِحُدُودِهَا وَانْتِهَائِهَا، عَارِفًا بِقَرَائِنِهَا وَأَحْنَائِهَا (أجنانها). ثُمَّ أَنْشَأَ نَبَخَته. فَتَقَّ الْأَجْوَاءُ، وَشَقَّ الْأَرْجَاءُ وَسَكَئِكَ الْهُوَاءُ، فَاجْرَى (اجاز) فِيهَا مَاءٌ مُتَلَاظِمًا تَيَّارُهُ، مُتَرَكَمًا زَخَّارُهُ. حَمَلَهُ عَلَى مَتْنِ الرِّيحِ الْعَاصِفَةِ،
- ١١- وَالزَّعْزَعَ الْقَاصِفَةَ فَأَمَرَهَا بِرَدِّهِ، وَسَلَّطَهَا عَلَى شَدِّهِ، وَقَرَنَهَا إِلَى حَدِّهِ. الْهُوَاءُ مِنْ تَحْتِهَا فَتَيْقُ، وَالْمَاءُ مِنْ فَوْقِهَا دَفِيقُ. ثُمَّ أَنْشَأَ نَبَخَته رِيحًا أَعْتَقَمَ مَهَبُهَا، وَأَدَامَ مُرَبِّهَا، وَأَعْصَفَ مَجْرَاهَا،
- ١٢- وَأَبْعَدَ مَنْشَاهَا، فَأَمَرَهَا بِتَصْفِيْقِ الْمَاءِ الزَّخَّارِ، وَإِثَارَةِ مَوْجِ الْبِحَارِ، فَخَضَّتْهُ مَخْضَ السَّقَاءِ، وَعَصَفَتْ بِهِ عَصْفَهَا بِالْقَضَاءِ. تَرُدُّ أَوَّلَهُ إِلَى آخِرِهِ، وَسَاجِيَهُ (سَاحَهُ) إِلَى مَائِرِهِ، حَتَّى
- ١٣- عَبَّ عُبَابُهُ، وَرَمَى بِالزَّبَدِ رُكَامَهُ، فَرَفَعَهُ فِي هَوَاءٍ مُنْفَتِقٍ، وَجَوُّ مُنْفَتِقٍ، فَسَوَّى مِنْهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ.

● ترجمه خطبه ۱

(امام علی در این سخنرانی از آفرینش آسمان و زمین و آفرینش انسان یاد می‌کند.)

۱. عجز انسان از شناخت ذات خدا^(۱)؛ سپاس خداوندی را که سخنوران از ستودن او عاجزند و حسابگران از شمارش نعمت‌های او ناتوان و تلاش‌گران از ادای حق او درمانده‌اند. خدایی که افکار زرف اندیش، ذات او را درک نمی‌کنند و دست غواصان دریای علوم به او نخواهد رسید. پروردگاری که برای صفات او حد و مرزی وجود ندارد و تعریف کاملی نمی‌توان یافت و برای خدا وقتی معین و سرآمدی مشخص نمی‌توان تعیین کرد. مخلوقات را با قدرت خود آفرید، و با رحمت خود باها را به حرکت در آورد و به وسیله کوه‌ها اضطراب و لرزش زمین را به آرامش تبدیل کرد.

۲. دین و شناخت خدا^(۲)؛ سرآغاز دین، خداشناسی است؛ و کمال شناخت خدا، باور داشتن او؛ و کمال باور داشتن خدا، شهادت به یگانگی اوست؛ و کمال توحید، شهادت بر یگانگی خدا، اخلاص؛ و کمال اخلاص، خدا را از صفات مخلوقات جدا کردن است؛ زیرا هر صفتی نشان می‌دهد که غیر از موصوف، و هر موصوفی گواهی می‌دهد که غیر از صفت است؛ پس کسی که خدا را با صفت مخلوقات تعریف کند او را به چیزی نزدیک کرده،^(۳) و با نزدیک کردن خدا به چیزی، دو خدا مطرح شده؛ و با طرح شدن دو خدا، اجزایی برای او تصور نموده؛ و با تصور اجزا برای خدا، او را نشناخته است.

و کسی که خدا را نشناسد به سوی او اشاره می‌کند و هر کس به سوی خدا اشاره کند، او را محدود کرده، به شمارش آورد. و آن کس که بگوید «خدا در چیست؟» او را در چیز دیگری پنداشته است، و کسی که بپرسد «خدا بر روی چه چیزی قرار دارد؟» به تحقیق جایی را خالی از او در نظر گرفته است، در صورتی که خدا همواره بوده و از چیزی به وجود نیامده است. با همه چیز هست، نه اینکه همنشین آنان باشد؛ و با همه چیز فرق دارد نه اینکه از آنان جدا و بیگانه باشد. انجام دهنده همه کارهاست، بدون حرکت و ابزار و وسیله. بیناست حتی در آن هنگام که پدیده‌ای وجود نداشت، یگانه و تنهاست، زیرا کسی نبوده تا با او انس گیرد و یا از فقدانش وحشت کند.

۳. راه‌های خدا شناسی

اول - آفرینش جهان: خلقت را آغاز کرد و موجودات را بیافرید، بدون نیاز به فکر و اندیشه‌ای، یا استفاده از تجربه‌ای، بی‌آن که حرکتی ایجاد کند و یا تصمیمی مضطرب در او راه داشته باشد. برای پدید آمدن موجودات، وقت مناسبی قرار داد، و موجودات گوناگون را هماهنگ کرد و در هر کدام، غریزه خاص خودش را قرار داد و غرائز را همراه آنان گردانید. خدا پیش از آن که موجودات را بیافریند، از تمام جزئیات و جوانب آنها آگاهی داشت و حدود و پایان آنها را می‌دانست و از اسرار درون و بیرون پدیده‌ها آشنا بود. سپس خدای سبحان طبقات فضا را شکافت و اطراف آن را باز کرد و هوای به آسمان و زمین راه یافته را آفرید،^(۴) و در آن آبی روان ساخت، آبی که امواج متلاطم آن شکننده بود، که یکی بر دیگری می‌نشست، آب را بر بادی طوفانی و شکننده نهاد و باد را به بازگرداندن آن فرمان داد و به نگهداری آب مسلط ساخت و حد و مرز آن را به خوبی تعیین فرمود. فضا در زیر تند باد و آب بر بالای آن در حرکت بود. سپس خدای سبحان طوفانی^(۵) برانگیخت که آب را متلاطم ساخت^(۶) و امواج آب را پی در پی درهم کوبید.

طوفان به شدت وزید و از نقطه‌ای دور دوباره آغاز شد. سپس به طوفان امر کرد تا امواج دریاها را به هر سو روان کند و بر هم کوبد و با همان شدت که در فضا وزیدن داشت، بر امواج آب‌ها حمله ور گردد از اول آن برمی‌داشت و به آخرش می‌ریخت،^(۷) و آب‌های ساکن را به امواج سرکش برگرداند. تا آنجا که آب‌ها روی هم قرار گرفتند و چون قله‌های بلند کوه‌ها بالا آمدند. امواج تند کف‌های برآمده از آب‌ها را در هوای باز و فضای گسترده بالا برد، که از آن هفت آسمان را پدید آورد.^(۸)

۱. اشاره به علم اپیستمولوژی (شناخت شناسی، معرفت شناسی)

۲. اشاره به: پابیتیسم (ایزد شناسی) یعنی همتایی برای خدا تصور کرده است.

۳. امام علی در این گفتار علمی، به مراحل دقیق آفرینش اشاره کرد که خداوند بزرگ ابتدا هوا و سپس آب و آنگاه دیگر پدیده‌ها را آفرید. امروزه همه دانشمندان این حقیقت را قبول دارند که آب از اکسیژن و هیدروژن پدید آمده و آغاز آفرینش از هوا و توده بخار بوده است.

۴. اِغْتَنَمَ: باد تندی که خشک و بی‌باران است.

۵. اشاره به علم سآلوزی (ذریاشناسی) و کیماتولوژی (موج شناسی)

۶. مَخَضَ السَّفَاه: زیر و رو کردن محتوای متشک. ۷. اشاره به علم اتمولوژی (بخار آب شناسی)

١٦- جَعَلَ سُفْلَاهُنَّ مَوْجاً مَكْفُوفاً، وَعُلْيَاهُنَّ سَقْفاً مَحْفُوظاً، وَسَمَكاً مَرْفُوعاً، بِغَيْرِ عَمَدٍ يَدْعُمُهَا،
وَلَا دِسَارٍ يَنْظِمُهَا. ثُمَّ زَيَّنَهَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ، وَضِيَاءِ الثَّوَابِقِ، وَأَجْرَى فِيهَا سِرَاجاً مُسْتَطِيراً،
١٧- وَقَرَأَ مُنِيراً: فِي فَلَكَ دَائِرٍ، وَسَقْفٍ سَائِرٍ، وَرَقِيمٍ مَائِرٍ.

الثاني - عجائب خلقه الملائكة

١٨- ثُمَّ فَتَقَ مَا بَيْنَ السَّمَاوَاتِ أَلْعَلَا، فَلَأَهُنَّ أَطْوَاراً مِنْ مَلَائِكَتِهِ، مِنْهُمْ سُجُودٌ لَا يَزْكَعُونَ، وَ
رُكُوعٌ لَا يَنْتَصِبُونَ، وَصَاقُونَ لَا يَتَزَايِلُونَ، وَمُسَبِّحُونَ لَا يَسْأَمُونَ، لَا يَغْشَاهُمْ نَوْمُ الْعُيُونِ،
١٩- وَلَا سَهُوُ الْعُقُولِ، وَلَا فِتْرَةُ الْأَبْدَانِ، وَلَا غَفْلَةُ النِّسْيَانِ. وَمِنْهُمْ أَمْنَاءٌ عَلَى وَحْيِهِ، وَالسِّنَّةُ إِلَى
٢٠- رُسُلِهِ، وَمُخْتَلِفُونَ (مترددون) بِقَضَائِهِ وَأَمْرِهِ. وَمِنْهُمْ الْحَفَظَةُ لِعِبَادِهِ، وَالسَّدَنَةُ (السندة) لِأَبْوَابِ
جَنَانِهِ. وَمِنْهُمْ الثَّابِتَةُ فِي الْأَرْضِينَ السُّفْلَى أَقْدَامُهُمْ، وَالْمَارِقَةُ مِنَ السَّمَاءِ أَلْعُلْيَا أَعْنَاقُهُمْ،
٢١- وَالْحَارِجَةُ مِنَ الْأَقْطَارِ أَزْكَائُهُمْ، وَالْمُنَاسِبَةُ لِقَوَائِمِ الْعَرْشِ أَكْتَافُهُمْ. نَاكِسَةٌ دُونَهُ أَبْصَارُهُمْ،
مُتَلَفِّعُونَ تَحْتَهُ بِأَجْنَحَتِهِمْ، مَضْرُوبَةٌ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَنْ دُونَهُمْ حُجُبُ الْعِزَّةِ، وَأَسْتَارُ الْقُدْرَةِ.
٢٢- لَا يَتَوَهَّمُونَ رَبَّهُمْ بِالتَّصْوِيرِ، وَلَا يُجْرُونَ عَلَيْهِ صِفَاتِ الْمَصْنُوعِينَ (المخلوقين)، وَلَا يَحْدُونَهُ
٢٣- بِالْأَمَاكِينِ، وَلَا يُشِيرُونَ إِلَيْهِ بِالنَّظَائِرِ.

الثالث - عجائب خلقه الانسان

٢٤- ثُمَّ جَمَعَ سَبْخَانَةً مِنْ حَزَنِ الْأَرْضِ وَسَهْلِهَا، وَعَذِيبَهَا وَسَبِخِهَا، تُرْبَةً سَنَهَا (سناها) بِالْمَاءِ حَتَّى
خَلَصَتْ، وَلَا طَهًا بِالْبَلَّةِ حَتَّى لَزَبَتْ، فَجَبَلَ مِنْهَا صُورَةَ ذَاتِ أَحْنَاءٍ وَوُصُولٍ، وَأَعْضَاءٍ وَفُصُولٍ،
٢٥- أَجْمَدَهَا حَتَّى اسْتَمْسَكَتْ، وَأَصْلَدَهَا حَتَّى صَلَصَلَتْ، لَوْقَتٍ مَعْدُودٍ، وَأَمَدٍ (أجل) مَعْلُومٍ؛
٢٦- ثُمَّ نَفَخَ فِيهَا مِنْ رُوحِهِ فَثَلَّثَ (ثنتلث) إِنْسَاناً ذَا أَذْهَانٍ يُحِيلُهَا، وَفَكَرٍ يَتَصَرَّفُ بِهَا.
٢٧- وَجَوَارِحَ يَخْتَدِمُهَا، وَأَدَوَاتٍ يُقَلِّبُهَا، وَمَعْرِفَةٍ يَفْرُقُ بِهَا بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَالْأَذْوَاقِ
وَالْمَشَامِ، وَالْأَلْوَانِ وَالْأَجْنَاسِ، مَعْجُوناً بِطِينَةِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ، وَالْأَشْبَاهِ الْمُؤْتَلِفَةِ (متشابهة)،
٢٨- وَالْأَضْدَادِ الْمُتَعَادِيَةِ، وَالْأَخْلَاطِ الْمُتَبَايِنَةِ، مِنَ الْحَرِّ وَالْبَرْدِ، وَالْبَلَّةِ وَالْجُمُودِ. وَأَسْتَأْدَى اللَّهُ
٢٩- الْمَلَائِكَةَ وَدِيعَتَهُ لَدَيْهِمْ، وَعَهْدَ وَصِيَّتِهِ إِلَيْهِمْ، فِي الْأَذْعَانِ بِالسُّجُودِ لَهُ، وَالْخُنُوعِ
(الخضوع) لِتَكْرِمَتِهِ، فَقَالَ سَبْخَانَةً: «أَسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ».^(١) أَعْتَرَتْهُ الْحَمِيَّةُ، وَغَلَبَتْ عَلَيْهِ
٣٠- الشَّقْوَةُ، وَتَعَزَّزَ بِخَلْقَةِ النَّارِ، وَأَسْتَوْهَنَ خَلْقَ الصَّلْصَالِ، فَأَعْطَاهُ اللَّهُ النَّظْرَةَ أَسْتَحْقَاقاً لِلْسُّخْطَةِ،
٣١- وَأَسْتِثْمَماً لِلْبَلِيَّةِ، وَإِنْجَازاً لِلْعِدَّةِ، فَقَالَ: «إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ، إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ».^(٢)

آسمان پایین را چون موج مهار شده و آسمان‌های بالا را مانند سقفی استوار و بلند قرار داد، بی آن که نیازمند به ستونی باشد یا میخ‌هایی که آنها را استوار کند. آنگاه فضای آسمان پایین را به وسیله نور ستارگان درخشنده زینت بخشید و در آن چراغی روشنایی بخش (خورشید)، و ماهی درخشان، به حرکت درآورد که همواره در مدار فلکی گردنده و برقرار و سقفی متحرک و صفحه‌ای بی‌قرار، به گردش خود ادامه دهند.

دوم - شگفتی خلقت فرشتگان

سپس آسمان‌های بالا را از هم گشود و از فرشتگان گوناگون پُر نمود. گروهی از فرشتگان همواره در سجده‌اند و رکوع ندارند و گروهی در رکوعند و یارای ایستادن ندارند و گروهی در صف‌هایی ایستاده‌اند که پراکنده نمی‌شوند و گروهی همواره تسبیح گویند و خسته نمی‌شوند و هیچ‌گاه خواب به چشمشان راه نمی‌یابد و عقل‌های آنان دچار اشتباه نمی‌گردد، بدن‌های آنان دچار سُستی نشده و آنان دچار بی‌خبری برخاسته از فراموشی نمی‌شوند. برخی از فرشتگان، امینان وحی الهی و زبان‌گویای وحی برای پیامبران می‌باشند، که پیوسته برای رساندن حکم و فرمان خدا در رفت و آمدند. جمعی از فرشتگان حافظان بندگان، و جمعی دیگر دربانان بهشت خداوندند. بعضی از آنها پاهایشان در طبقات پایین زمین قرار داشته و گردن‌هاشان از آسمان فراتر، و ارکان وجودشان از اطراف جهان گذشته، عرش الهی بر دوش‌هایشان استوار است، برابر عرش خدا دیدگان به زیر افکنده و در زیر آن، بال‌ها را به خود پیچیده‌اند. میان این دسته از فرشتگان با آنها که در مراتب پایین تری قرار دارند، حجابِ عزّت و پرده‌های قدرت، فاصله انداخته است. هرگز خدا را با وهم و خیال، در شکل و صورتی نمی‌پندارند و صفات پدیده‌ها را بر او روا نمی‌دارند؛ هرگز خدا را در جایی محدود نمی‌سازند، و نه با همانند آوردن، به او اشاره می‌کنند.

سوم - شگفتی آفرینش آدم علیه السلام و ویژگی‌های انسان کامل

سپس خداوند بزرگ، خاکی از قسمت‌های گوناگون زمین، از قسمت‌های سخت و نرم، شور و شیرین، گرد آورد، آب بر آن افزود تا گلی خالص و آماده شد، و با افزودن رطوبت، چسبناک گردید، که از آن، اندامی شایسته، و عضوهایی جدا و به یکدیگر پیوسته آفرید^(۱). آن را خشکانید تا محکم شد. خشکاندن را ادامه داد تا سخت شد تا زمانی معین و سرانجامی مشخص، اندام انسان، کامل گردید. آنگاه از روحی که آفرید در آن دمید تا به صورت انسانی زنده درآمد، دارای نیروی اندیشه، که وی را به تلاش اندازد و دارای افکاری که در دیگر موجودات، تصرف نماید.^(۲) به انسان اعضاء و جوارحی بخشید، که در خدمت او باشند، و ابزاری عطا فرمود، که آنها را در زندگی به کار گیرد. قدرت تشخیص به او داد تا حق و باطل را بشناسد^(۳)، و حواس چشایی، و بویایی، و وسیله تشخیص رنگ‌ها، و اجناس مختلف در اختیار او قرار داد. انسان را مخلوطی از رنگ‌های گوناگون، و چیزهای همانند و سازگار، و نیروهای متضاد، و مزاج‌های گوناگون، گرمی، سردی، تری، و خشکی، قرار داد. سپس از فرشتگان خواست تا آن چه در عهده دارند انجام دهند، و عهده‌ی را که پذیرفته‌اند وفا کنند، اینگونه که بر آدم سجده کنند، و او را بزرگ بشمارند، و فرمود: «بر آدم سجده کنید پس فرشتگان همه سجده کردند جز شیطان» غرور و خودبزرگ بینی او را گرفت و شقاوت و بدی بر او غلبه کرد، و به آفرینش خود از آتش افتخار نمود، و آفرینش انسان از خاک را پست شمرد. خداوند برای سزاوار بودن شیطان به خشم الهی، و برای کامل شدن آزمایش، و تحقق وعده‌ها، به او مهلت داد و فرمود: «تا روز رستاخیز مهلت داده شدی».

۱. اشاره به علم آنتروپولوژی Anthropology (انسان‌شناسی)

۲. ماجرای آفرینش انسان به گونه‌ای مستقل و هدفدار مطرح شده که تکامل و پیدایش تدریجی و قانونمند را قبول دارد اما تبدل انواع و نظریه‌های «داروینیسم» و «لامارکیسم» و بازسازی شده آن را قبول ندارد، نظریه‌هایی که امروزه نیز از دروس دانشگاه‌های مهم دنیا حذف گردیده است و با انقلابی که در علم ژنتیک و کروموزوم‌شناسی پدید آمده بیشتر به عمق کلام امام آشنا شده‌اند.

۳. اثبات امکان شناخت و ردّ تفکر نهیلیسم و پوچگرایی که شناخت را ممکن نمی‌دانند.